



بقلم محضر اداره در لندن

رقیه از شماره قبل

تامس ادیسون بزرگترین مخترع دنیا

راجح به فروش روز نامه خود ادیسون پیش نقل کرده است: در استانبول اولی موسوم به «اوتیکا» که استانبول کوچک بود معمولاً دوروز نامه می فروخت. در موع فرود آمدن جمعیت زیادی ز دور دیدم تصور کردم که مسافرتی بیرون دلی بنجریکه از ترن پیاده شده همگی هجوم بطرف من آوردند، معلوم شد که اخبار لکرالی اثر خود را بخشیده است. در آنجا ۲۵ روزنامه فروختم. معمولاً در «سنت کلمانس» استانبول بد که دارای یک هزار جمعیت بود شش الی با روز نامه می فروخت. تصمیم گرفتم که در سورتیکه مثل استانبول سابق جمعیت زیاد باشد یتم هر شماره از ۱۰۰ ساتیم به ۱۰۰ ساتیم بالا ببرم. از دحام جمع بود و قیمت را نیز بالا بردم.

در «پورت هرتن» جمعیت کثیری بر خوردم ۲۵ شماره ۲۵ ساتیم بقدر کافی روز نامه نیست. با صدای رسا اعلام نمودم کلیه روز نامه را فروخته و در نتیجه فروش آن روز مبلغ ۱۵ لیره که ثروتی بنظر میماند فروش نموده بودم. اتفاق غیر مترقبه باعث شد که ادیسون تلگراف را شروع نماید. در ۱۸۶۲ در استانبول، سنت کلمانس، دختر کوچک رئیس استانبول را دیدم که در وسط خط راه آهن در موفیکه لکوموتیو در شرف رسیدن با استانبول بود راه میبرد با یک جستن دختر را از خطر سرنگ نجات داده نزد پدرش برد.

پدر دختر برای حق شناسی اصول تلگراف و مخایره را بادیسون آموخت. ادیسون زودی یاد گرفته و در مدت ظیلی یکی از بهترین تلگرافی های آن نواحی گردید. ادیسون مختصاً مخترع اختراع چراغ الکتریکی را چنین داده است: در ۱۲ اکتبر ۱۸۷۹ پس از چندین بار تجربه های کسل کننده بی اثر موفق شدم به کارون کردن یک تپکه نخب بنبه تشه، شکل فل اسب و آنرا در یک حباب شیشه که هوا را از آن خالی نموده بعدیکه خلاء یک ملبونی محکم بسته شده و پس از جدا نمودن آن با قلمبه خلاء جریان الکتریسته به آن داده شد. چراغ روشن گردید و در چند دقیقه بارش اول قوه مقاومت آن را اندازه نمودم ۱۷۵ اهم Ohm بود، تمام آرزوی من پس از آن نشسته و چراغ با دقت نگاه کردم میخواستم بدانم تا چه مدت روشن خواهد ماند، اگر فیلمات می توانست استقامت نماید قضیه حل شده بود - هر چه چراغ بیشتر می سوخت بیشتر ممتون و شفته میشد.

هیچکدام از ما بخواب نرفته و تا ۴ ساعت همگی بیدار بودیم و چراغ با احتیاق هر چه تمام تر نگاه میکردیم. چراغ مزبور ۳۵ ساعت دوام کرد و فوری بر من محقق شد که چراغ الکتریسته متولد شده است. مطمئن بودم در صورتی که این چراغ ساده بجای ۴۵ ساعت بسوزد چراغی می توانم بسازم که صد ها بلکه هزار ساعت هم روشن باشد.

دنیای جدید او
با اختراع لاپ الکتریکی من هفتیک قدم در آستانه یک سیستم کاملی گذارده بودم در حالی که یک سلسله تجربیات برای تکمیل لاپ همه روزه عمل می آوردم شخصاً اوقات خود را مصروف قسمت های مهم دیگر سیستمیکه در خاطر داشتم مینمودم هیچ ساقه از این امر در دنیا نبود از هیچ محلی اسیاب های آن را نمیتوانم پتباع کنم، لازم بود که همه چیز را اختراع نمایم - دنبانو، دکمه اتصال، فیوز، حتی وازم برق گیره های زمینی با چسب های انصالی لازمه و یک مقدار جزئیات دیگر حتی نورمقره براتر اوسر عملیات عجیبی شده بود و لایق قطع بود استراحت شب و روز و یکشنبه و تعطیلاً کار میکردم.

قدرت زیادی در وقت ظیلی انجام دادیم و قبل از عید نوئل ۱۸۷۱ لاراتور، خانه، چندین خانه دیگر و فریب یک پنجم میل از

کارخانه دنبانو و فریب ۲۰ چراغ در خیابان را بالامهای الکتریکی روشن کرده بودیم **فونوگراف**
ادیسون شرح اختراع فونوگراف را چنین داده است «اسباب بازی کوچکی ساخته بودم که وقتی که در کردن قیفی آن صدا می نمود عاقی را بکار می انداخت که متصل به دیافراگم بود و این چون متصل بچرخ بود حرکت وضعی دائمی در فرقه ایجاب مینمود این فرقه بوسیله طنابی بیک اسباب بازی کاغذی که مانند تجاری کاره می کرد بود اتصال داشت لذا اگر فریاد زده میشد: «ماری بره کوچکی دامت» فوری بجا کاغذی شروع به باره کردن چوب مینمود این نتیجه رسیدم که اگر بوقی شوم حرکات دیافراگم را بطور خوبی ثبت نماید ممکن خواهد بود که ثبت مزبور حرکات اصلی که بوسیله صدا به دیافراگم داده شده دوباره بوجود آورد. بدین طریق موفق ثبت و دوباره بوجود آوردن صدای انسانی گردیدم.

طرح یک ماشین کوچکی که سیلندر جدول داری در اطراف سطح آن که روی آن ورقه های قلع قرار داده میشد و باسانی حرکات دیافراگم را در یافت ثبت مینمود دادم ولی اطمینان زیادی عملی شدن و موفقیت آن نداشتم - در هر صورت مدل تمام شد و ورقه های قلع بجای خود قرار گرفت سپس با صدای رسا فریاد زد: «ماری بره کوچکی دامت» سپس مامین را میزان کردم، مامین صدا را با واضحی هر چه نامشروعی داد. هیچگاه این اندازه مات و مبهوت نشده بودم.

این آغاز فونوگراف بود **خواب ادیسون**
مقدار زیادی در باب خواب ادیسون گفته شده اغلب میگویند که او ابتدا نمی خوابید، اما حقیقت امر اینست که او ساعات معینی برای خواب نداشته، گاهی ۵ ساعت، گاهی ۱۶ ساعت و بعضی اوقات بدون خواب برای چند روز بکار خود ادامه میداده است.

آخرین موفقیت او
سالهای اخیر اوقات خود را صرف مطالعه لاستیک و طریق بدست آوردن آن از گیاه های مختلف نمود. اخبار اخیر حاکی است که دو روز قبل از مرگ دو نفر از شاگردان او تجربیات او را ادامه داد و بالاخره طریق حل آنرا کشف نمودند لیکن هنوز محقق نشده است که از نقطه نظر تجاری عملی باشد.

جاننشین ادیسون
در تابستان ۱۹۲۹ تصمیم گرفت کهجا نشینی برای خود انتخاب نموده و کلیه مخارج تحصیلی او را بپردازد. از ۴۹ کالید از ایالت های مختلفه اتانونی با کمک کمیته که عبارت از هناری فرد و کلن لیندبرگ هوا نورد شهر امریکائی بود «ولبرهوستن» ۱۶ ساله را انتخاب نمود.

انسان میتواند تا ۱۵۰ سال عمر کند
ظنریه ادیسون این بود که در صورت مواظبت و پرورش انسان میتواند تا ۱۵۰ سال عمر نماید. بدینای بد از مرگ ابد معتقد نبوده و اظهار داشته است که بهشت من روی زمین است. شامیانی و آب جو را دوست میداشت.

۱۳۰۰ اختراع
دو بهمه رفت بیش از ۱۳۰۰ اختراع نموده و سنایی که اساس آن روی اختراعات او بوده و با کشفیات او آنها را مساعدت نموده است بالغ بر ۳۰۰۰۰۰۰۰۰ لیره میباشد. ع. سعیدی

از روزنامه لوژورنال

سلاطین چگونه زندگی می کنند آلبرت اول پادشاه بلژیک و ملکه الیزابت

چنگ اخیر سلاطین غار اروپا را ازین برد و دست اطرافیان سلاطین را نیز در ممالک مرکزی اروپا و سایر ممالک از کار کوتاه کرد. لفظ سلاطینی که توانسته بودند محبت و علاقه ملت را جلب بویا داری ملت متکی شوند تاج و تخت سلطنتی را حفظ نمودند. پادشاه بلژیک آلبرت اول نیز در نتیجه برداری و میل ملت سلطنت رسید.

پادشاه بلژیک با اتباع وفادار خوش در ایام چنگ چنان ائتلاف نمود که هیچ چیز قادر به ترزلز این اتحاد و یکپارگی نیست. این نکته را نیز باید دانست که اخلاق و رفتار پادشاه و ملکه طوری است که این علاقه و محبت بین پادشاه و ملت را همواره زیادتر و بیشتر میکند.

کابیل هویزمان و کبیل سوسیالیست ها و وزیر سابق علوم و صنایع روزی شاه گفت: اعلیحضرتا اگر ما انتخاب رئیس جمهور میگردیم سگی نیست که من با انتخاب اعلیحضرت رای خواهم داد. بدیهی است که در این دوره کمی تصور هم نمی کنند که پادشاه را با مثل سلطنتی بردوش و چقه بر سر و حضیبه در دست در کنار او رنگ سلطنتی به بیند. همانطور هم کسی تصور نمی کند که ملکه را با آن آرایش فراوان درین طیار های بزرگ مجلل به بیند که پیشخدمتهای جوان در عقب آنها ایستاده و دامن های بلند سلطنتی را در دست داشته باشند ولی مهیذا در بعضی از دیارهای سلاطین امروزی اروپا هنوز این تزیینات وجود دارد. در بروکسل این تشریفات وجود ندارد و پادشاه و ملکه ساده ترین وضعی سلطنت می کنند - پذیرایی های رسمی بسیار کم است و حقیقه بیش از یکمرتبه در سال از آن پذیراییها و مهمانیهای مجلل نمیشود و آن بمناسبت عید تاجگذاری پادشاه است.

مناسبت این جشن سلطنتی فریب پنج هزار ورقه دعوت توزیع میشود و بعدی این جشن مجلل و باشکوه و مخارج آن زیاد است که فریب دو هزار نفر از مستخدمین عالی مرتبه با کمال تأسف از حضور در این جشن معذرت میخواهند زیرا قادر نیستند که لباس شایسته این جشن را تهیه نمایند. اصولاً در این جشن «فراگ» پوشیده نمیشود و فقط سفیر کبیر اتانونی مثلاً تنها دیپلماتی است که بطور استثنا حق دارد فراگ بپوشد. کسانی که بدون لباس زر دوزی در این جشن حاضر میشوند بسیار کم میباشد حتی و کلاه مجلسی و ستانور ها نیز با لباس زردوز حاضر میشوند.

سالون های قصر بروکسل در جشن تاجگذاری آلبرت دیدنی هستند در پرتو چراغ های درخشنده دیدن آن زر و زیور ها و لباس های مجلل و نشان همنظری بسیار مجلل دارد. نماینده یاب در این جشن حاضر می شود ولی پس از عرض تبریک با اعلیحضرت و ملکه و شاهزادگان و محارف با هیئت سیاسی قبل از شروع برقص از مجلس خارج میشود. مدت رقص زیاد و طولانی است در دستور مهمانی چند مرتبه «والس» ملایم برای پیر مردان و پیره زنان مقدس زده می شود و سپس «وان سٹیپ» و «فوکس تروت» و «ژاز» شروع میشود.

شاه و ملکه با کمال بی شگفتی از مدعوین پذیرائی می کنند و در عین این جلال و عظمت با کمال سادگی حاضر می شوند. شاه و ملکه در شهر بروکسل منزل ندارند و مسکن حقیقی آنها قصر «لاکن» در کنار شهر است. این قصر از باغ بزرگی محصور است که منظره این باغ و گلخانه آن در اروپا مشهور است. با کمال محبت و عشق از گل های شگفت و کمیاب این باغ حفاظت می شود. شاه و ملکه خود بستاندند و هر سال یکمرتبه بر دمرا این باغ فشنک دعوت می کنند. در این قصر که مسکن حقیقی پادشاه و ملکه است ظروف زرینه یافت نمی شود. سالوهای بزرگ و روشن این قصر را با اثاثیه خوب و بزرگ و مجلل (بنت داده اند و در این قصر از دوستان و دیپلماتها و علماء و صنعتگران با کمال محبت پذیرائی میکنند. این نکته را نیز باید گفت که پادشاه تمام ایام خود را در این قصر نمیکند سلطنت نیز وظایفی دارد که پادشاه در اجرای آن علاقه مند میباشد - هر چند که محبت و علاقه مردم نسبت به شاه و ملکه طوری است که نگرانی وجود ندارد در مورد آنها

مجلس شورای ملی جلسه ۵۶

معاون ظهر مجلس بریاست آقای دادگر تشکیل گردیده صورت جلسه قبل قرائت و تصویب گردید

طباطبائی دینا - چنانچه خاطر آقایان نمایندگان مسبق است کمیسیون عدلیه از اول این دوره با کمال جدیت جلسات خود را تشکیل و ادای وظیفه نموده است اینست که دایرت جلسات کمیسیون عدلیه ولوایح تصویب شده را برای استحضار آقایان نمایندگان محترم تقدیم میدارم

رئیس - فرمایش شما را قبول دارم و جدیت وزحمات کمیسیون عدلیه بر کسی پوشیده نیست و قابل تقدیر است وزیر است و تلگراف - بیکفرضه لایحه است که راجع با اجازه استقراسن یک میلیون تومان برای خرید سهام شرکت تلفون تقدیم میشود بیکفرضه لایحه هم برای رفع نواقص قانون ثبت اسناد است که از طرف آقای وزیر عدلیه تقدیم میدارم

تجدید استخدام رئیس محاسبات
خبر کمیسیون بودجه راجع به تجدید استخدام سیوهران فری بسمت ریاست محاسبات مالمه در تحت مواد ذیل قرائت گردید

ماده اول - وزارت مالمه مجاز است آقای هرمان فری تابع آلمان را برای مدت یکسال از تاریخ ۱۲ آذر ماه ۳۱۰ سمت ریاست محاسبات مالمه مجدداً استخدام نماید. ماده دوم - مقرری آقای هرمان فری سالی شش هزار و سیصد تومان (۶۳۰۰ تومان) و هشتصد و چهل لیره انگلیسی (۸۴۰ لیره انگلیسی) خواهد بود که باسقاط دوازده کانه در آخر هر ماه شمسی ایرانی تادیه میگردد

ماده سوم - ماهی یکصد تومان بعنوان گریه منزل باقی هرمان فری پرداخت میشود. ماده چهارم - در اقصاء مدت یکسال مذکور در ماده اول فوق در صورتیکه بموجب قانون جدیدی ادامه خدمت آقای هرمان فری تصویب نشود و مشارالیه بطور قطع از ایران خارج گردد مبلغ یکصد لیره بعنوان خرج مراجعت بالمان به مشارالیه تادیه خواهد شد. ماده پنجم - وزارت مالمه میتواند در ماده هروموقع بپرداخت مبلغی معادل سه ماه از مقرری مذکور در ماده دوم و خرج سفر مذکور در چهارم باقی هرمان فری بابت استخدام او خاتمه دهد ولی در صورتیکه بماموریت مشارالیه در اثر مداخله در امور سیاسی و تحلف از قوانین مملکتی و نظامات داخلی اداری خاتمه داده شود یا خود را فسخ نماید سه ماه مقرری مذکور در فوق و خرج سفر پرداخته نخواهد شد. ماده ششم - وزارت مالمه مأمور اجرائی این قانون است

خبر کمیسیون خارجه مبنی بر مواظت با تأمین مستخدم مزبور قرائت و مذاکره در کلیات شروع گردید

چندی - بنده بی نهایت نمی دانم در اینموقع که آقای وزیر مالمه هم تشریف دارند تذکراتی بدهم علاوه بر اینکه بنده با این مستخدمین خارجی که وجودشان برای مملکت چندان مفید نیست و حقوقهای گزاف میگیرند مخالفت ولی عقیده بنده اینست که از این رئیس محاسبات هیچ استفاده نشده و هیچ کاری هم برای ما صورت نداده اند این نکته را عرض کنم که از جمله اقدامات ایشان تهیه بودجهها است که بودجه ها را مثل تقو بیدای رقومی تهیه نموده اند اساساً طبع و توزیع بودجه ها برای این است که سهل السراجه بوده و هر کس میخواهد مراجعه کند خوبی از جزئیات و نکت آن اطلاع یابد حالا هر کس قومی رقومی را هم بداند ممکن نیست که از این بودجه ها چیزی بفهمد این است که از آقای وزیر مالمه تقاضا میکنم همان طور که سابقاً بودجه ها نوشته می شد بنویسند و از این اصلاحی را که ایشان کرده اند صرف نظر نمایند.

وزیر عالیله - الا این مسئله در مورد هر مستخدم خارجی پیش می آید که چرا استخدام می کنیم این مذاکرات را بگذاریم برای یک سوهمی که میخواهیم بکفر مستخدمین خارجی علاوه کنیم بهتر است. آقایان مطلع و متوجه بودم اند که دولت حتی القوه و حتی المقدور مستخدمین خارجی را کم میکند برای اینکه ایرانی ها هم ورزیده شده اند و هم متدرجاً مستخدمین خارجی را کم می کنیم آنچه که برای اقتضای فعلی اینجاب میکند اینست که برای یکده از مستخدمین خارجی احتیاج داریم از جمله رئیس گمرکات و رئیس محاسبات خیلی هم فایده می بریم و این فایده بیشتر از آن وجهی است که میدهیم امروز اگر کسی را از خارجه استخدام بکنیم هم حقوقش و هم

پادشاه بلژیک بی اندازه دقیق است و پرگرام روزانه اش را با دقت انجام میدهد. از مکاتیب اتومبیل کاملاً مطلع است و اگر پادشاه نبود میتوانست یک مکتبیسین کامل باشد ملکه پستار ماهری است و در این فن دارای دیلم است و گذشته از این ویولون هم میزند ملکه از قشای نیز مطلع است و مثل پادشاه آدابیات و تاریخ و صنایع علاقه مند میباشد. لباس او بسیار ساده است و مهیذا سلیقه او در انتخاب بدحیث است

ملکه در تربیت دختر و پسر خود هیچ قصوری نکرده است و امور خانه را با کمال دقت انجام میدهد ۱۹۲۷ ملکه پیاریس آمد و بدیدن مادام نوکسر هوا پیدای معروف فرانسوی رفت و باو گفت پسر شما در ایام چنگ در آسمان بلژیک پرواز میکرد و وقتی که پسر شما از سفر ایوانوس اطلس برگشت من وشاه سراغ شما آمده و از شما دعوت خواهیم نمود که بتفاق بفراتن منزل ما بایید

این است نمونه از حسن اخلاق ملکه و پادشاه بلژیک و عجیب نیست اگر ملکه بلژیک در دوست داشتن آنها باقیاله کند

تکده هندی

بقلم آقای ارباب افلاطون شاهرخ از شب یکشنبه ۱۶ آبان تا ۵ شب متوالی در شعبه نمایشگاه زرتشتیان بمرض نمایش گذارده خواهد شد نمره اعلان ۲۳۷۰

گرایه‌هاش زیادتیر خواهد شد این شخص دو سال است در خدمت ما بوده است و بنده از او کمالاً رضایت دارم و میدانم که علاقمند بکار است و شب و روز زحمت می کشد بنده امیدوار بودم که این روح و این خیال در ما قوت داشته باشد که از کسانی که زحمت می کشند قدردانی نشانی اصلاح این بودجه را که ملاحظه فرمودید چندین حسنه است و منظور این بوده است که عدّه مستخدمین و عدّه رتبه ها نوشته شود و اسامی مثلاً بودجه هیچ صحتی نداشته و عدد رقمی و رمزی من درش نبود (چشمبندی - طبع شده و موجود است)

وزیر مایه بنده از تقویم رقمی هم سرشته دارم اساس این بودجه این است که قدر مقدور باید مخارج مختلفه را بهم مخلوط کنیم و شما میفرمایید بگوئید خرج سفر و تمام مخارج سوخت و روشنایی و اتومبیل همه در یک رقم باشد ما میخواستیم کاری کنیم که این ها از هم تفکیک شده و مجزا باشد و طوری باشد که هر وزارتخانه در طول سال بودجه مشخص تجزیه شده خودش را پیش بینی کند تا اینکه مثلاً هرچه از روشنایی زیاد می آید روی سوخت بیاید در بودجه های سابق فقط بیست مازومات اکتفا میشد و حالا تفکیک شده است و افلام بودجه خیلی زیادتیر از اینهاست . یک حسنه دیگرش این است که بودجه های تمام وزارتخانه یک توأخت بوده و سابقاً بعضی سوء استفاده میشد مثلاً یک وزارتخانه در بودجه خودش دیو خود را منظور نمیکرد و یا اینکه بعضی ادارات مثل گمرک و غیره اگر کسی از مستخدمین در راه انجام وظیفه جان نثاری میکرد برای خانواده او حقوقی مینمیکند و بوره او کمک مینماید چرا وزارتخانه های دیگر اگر کسی اتفاق بیفتد در راه وظیفه جانش را بدهد او کمک می کنند و این فقط برای یک نوع بودجه بود است چیزی که ما به تیر مایه یافته ایم این است وقتی که یک مستخدم خارجی را استخدام می کنیم و به مملکت ما می آید قریب هشت ماه تا یکسال بلکه دو سال طول می کشد تا وضعیت و امور اداری ما آشنا شود تا آنکه ما از مطوعات و اطلاعات او استفاده کنیم اما حالا تا می آید آشنا وضعیت ما شود و دست بیگ کار ها و اصلاحاتی میزند دو سال خاتمه پیدا کرده و می رود و مملکت از او استفاده نکرده است این است برای اینکه این کار هائی که در دست دارد تمام شود یکسال تقاضای تمدید شده است عجلاناً ما همیشه بگ رئیس محاسبات داشتیم و ما بر عدّه مستخدمین نمی خواهم بیفرایم این همان شخص است و برای یکسال و با همان حقوق یکجوری به گرایه خانه اش اضافه شده است کنترانش تجدید میشود و نه گرایه خانه او نه خرج سفر و نه حقوقش هم زیادتیر سایر خارجی ها نیست

اول نگفتمد و چنانچه ملاحظه فرموده اند همیشه نتیجه نمایالت آقایان در نظر گرفته شده است و در عملیات دولت هم تاثیر داشته و خواهد داشت .

ما حتی المقدور همان طور که عرض کردم مستخدمین خارجی را سعی داریم که کمتر کنیم و این شخص را الان نمیخواهیم استخدام کنیم در فرمایشاتشان اولاً اشاره رئیس عایدات کردند عقیده شخصی بنده این است که ایشان آدم لایقی است و مملکت هم از وجود ایشان استفاده کرده و ۲۵ هزار تومان که باو نمیدهیم اما اگر دو سفر هم پهلوی آن بگذاریم چا دارد و عاید صلاح در این باشد که طوری بشود که باعث دلسردی نشود و اینجا مجلس است و برای شور و شورت است و مذاکره میکنیم که حلاجی شود

آقای وزیرعالیه در جواب آقای چشمبندی فرمودند که وقتی میخواستیم مستخدم خارجی را استخدام کنیم این مذاکرات را بنمائید بنده یادآوری میکنم موقعی که لایحه استخدام رئیس عایدات مطرح بود پشت همین تریبون با رقم ثابت کردم که ما با استخدام رئیس عایدات احتیاجی نداریم عایدات ما در حدود ۵۰ میلیون است که برطبق قوانین موضوعه ادارات ما وصول نمیشود و عمل نمیکند و نمی دانیم این شخصی که می آید رسیدگی بکند و سالی ۳۵ هزار تومان حقوق بگیرد چه نتیجه دارد

بالاخره استخدام کردند و حالا چهارماه است که آمده است دو ماه بود که قوانین را مطالعه میکرد و آنچه که اطلاع دارم غیر از تعویق و تراکم کارها از وجود ایشان استفاده نکردیم این برای اینکه باید قوانین ترجمه شده و مورد مطالعه ایشان واقع شود و اما راجع به فوری رئیس محاسبات آقای وزیرعالیه از ایشان اظهار رضایت میکنند و البته باید ایشان رضایت داشته باشند اما آنچه که مشهود است این محاسباتی که داریم همان محاسباتی است که ستر بر امریکائی تشکیل داد و مرتب نمود و از آنروزی که آقای فری آمده است هیچ نظیریی داده نشده است همان تشکیلات و همان ایزناسی و اعضائی که بوده اند با همان جریانات مشغول می شدند آنچه که بنده اطلاع دارم اینست اگر آقای وزیر مایه اطلاعاتی که برای مملکت مفید است دارند بفرمایند ما هم رای میدهم و بنده که چیزی نمیدانم وزیرعالیه بجای برای رفع سوءعقافم عرض میکنم که بنده عرض نکردم که چرا

خریداری اسهام تلفن

لایحه ذیل از طرف آقای وزیر پست و تلگراف امروز تقدیم مجلس شورای ملی شده است

ساحت محترم مجلس شورای ملی
نظر اینکه تمرکز تنظیم وسائل مخابراتی مملکت منظور نظر دولت بوده و تاکنون این موضوع از حیث پست و تلگراف و تلگراف بی سیم تأمین گردیده است برای اینکه این منظور تکمیل شده باشد لازم بود قسمت تلفن نیز با تکرار و پست توأماً و تحت اصول واحد اداره شود لهذا در نظر گرفته شده که دولت اقدام در خریداری سهام شرکت تلفن و سایر مؤسسات تلفن نماید و رای ترتیب خریداری مزبور ماده واحده ذیل پیشنهاد و تقاضای تصویب میشود

ماده واحده - بوزارت پست و تلگراف اجازه داده میشود که برای خرید سهام شرکت کل تلفن و مؤسسات تلفنی ولایات و تزئین سرمایه و توسعه تشکیلات تلفنی مبلغ یک میلیون تومان توسط وزارت مایه از بانک ملی ایران استقراض نموده و در مدت هفت سال و نیم از منافع حاصله عمل تلفن وجه مزبور را اسلا و فرعا بپردازد . بقیه عایدات عمل کرد تلفن نیز در مدت مزبور کلاً و بلاخصاً مخصوص مخارج اداره و تکمیل و توسعه کار تلفن بوده و همه ساله در بودجه مملکتی برای همین مقصود منظور خواهد شد در نتیجه هم صرفه جوئی بشود بر بودجه تلفن سال آینده اضافه میشود

رئیس الوزراء و وزیر پست و تلگراف وزیر مایه اول نگفتمد و چنانچه ملاحظه فرموده اند همیشه نتیجه نمایالت آقایان در نظر گرفته شده است و در عملیات دولت هم تاثیر داشته و خواهد داشت .

ما حتی المقدور همان طور که عرض کردم مستخدمین خارجی را سعی داریم که کمتر کنیم و این شخص را الان نمیخواهیم استخدام کنیم در فرمایشاتشان اولاً اشاره رئیس عایدات کردند عقیده شخصی بنده این است که ایشان آدم لایقی است و مملکت هم از وجود ایشان استفاده کرده و ۲۵ هزار تومان که باو نمیدهیم اما اگر دو سفر هم پهلوی آن بگذاریم چا دارد و عاید صلاح در این باشد که طوری بشود که باعث دلسردی نشود و اینجا مجلس است و برای شور و شورت است و مذاکره میکنیم که حلاجی شود

آقای وزیرعالیه در جواب آقای چشمبندی فرمودند که وقتی میخواستیم مستخدم خارجی را استخدام کنیم این مذاکرات را بنمائید بنده یادآوری میکنم موقعی که لایحه استخدام رئیس عایدات مطرح بود پشت همین تریبون با رقم ثابت کردم که ما با استخدام رئیس عایدات احتیاجی نداریم عایدات ما در حدود ۵۰ میلیون است که برطبق قوانین موضوعه ادارات ما وصول نمیشود و عمل نمیکند و نمی دانیم این شخصی که می آید رسیدگی بکند و سالی ۳۵ هزار تومان حقوق بگیرد چه نتیجه دارد

بالاخره استخدام کردند و حالا چهارماه است که آمده است دو ماه بود که قوانین را مطالعه میکرد و آنچه که اطلاع دارم غیر از تعویق و تراکم کارها از وجود ایشان استفاده نکردیم این برای اینکه باید قوانین ترجمه شده و مورد مطالعه ایشان واقع شود و اما راجع به فوری رئیس محاسبات آقای وزیرعالیه از ایشان اظهار رضایت میکنند و البته باید ایشان رضایت داشته باشند اما آنچه که مشهود است این محاسباتی که داریم همان محاسباتی است که ستر بر امریکائی تشکیل داد و مرتب نمود و از آنروزی که آقای فری آمده است هیچ نظیریی داده نشده است همان تشکیلات و همان ایزناسی و اعضائی که بوده اند با همان جریانات مشغول می شدند آنچه که بنده اطلاع دارم اینست اگر آقای وزیر مایه اطلاعاتی که برای مملکت مفید است دارند بفرمایند ما هم رای میدهم و بنده که چیزی نمیدانم وزیرعالیه بجای برای رفع سوءعقافم عرض میکنم که بنده عرض نکردم که چرا

تالیف حاجی مراد موعوف ترجمه شرف الدین قهرمانی

در شوق هم خبری نیست

چلو دار معمولی در جلو حرکت میکند و زویف هم با آنهاست این نایب جوان خیلی اصرار و استدعا کرده جلوداری مامور شود . با وجودیکه امروز نوبت خمیصیح بود معذلت با اصرار عرض او رفت و میگفت در جلوداری خود را خیلی باروش ترمی بیند . تاریکی مانع از دیدن ریگست ولی فرورفتن پای آسب در زمین روی زمین محسوس می شود .

بدین ترتیب شب دارد میگذرد . کاهی وقتی همه بها دران را خواب میگیرند **گامالی** بیدار شوید داده راه بیما می کنیم و با حرکت خواب را از سر میرانیم . در نصف شب نیناساعت راحت باش کسر دیم و دوباره برآه افتادیم . شب میگذرد و من از حفظ میدانم چه خواهد شد . پس از نیناساعت هوا گرگ و میش و ما تا بیدار میگردیم و از طرف دیگر افق آفتاب تبسم کتان بالا میاید .

صدای تیر اندازی رشته رشته فکر مرا پاره کرد . صله های آتشی کاولها پرده تاریکی را میشکافت و صدای مسلسل با صدای تیرهای تفنگ مخلوط میشد . فوراً فکر کمین کردن دشمن در مغز من خطور کرد . او - خدای من . یکتفری ناله ای کشید و از آسب افتاد . اسبها ترسیده پهلوی خالی میکنند .

گامالی فریاد کشید : بیدار شوید . همه فوراً بیدار شده اسبهارا با اسبدارها سپردیم . پس از یکدقیقه عدده ای قریب چهل نفر با من و خمیصیح با دوسلسل خط زنجیر ساخته شروع به پیشروی بستنی که از آنجا تیر اندازی میکردند کردیم . از چلو در نیم ورسی ما لایقصد صدای تیر اندازی تفنگ شنیده میشود این جلودار ما زویف است که با دشمن زدو خورد میکند .

گامالی گفت : همین کنید چه خبر است و فوراً بمن زاپرت دهید و هیچوجه قبل از وصول امر به من عقب روی نکند . من سر تکان داده بدو خود را زنجیر رساندم . کولهای شیطان از بالای سرما عبور کردند در ریگهای یا بان فرو میرفتند . از جلوصدای تیر اندازی میر شد منظم شنیده میشود . ماسمت تیر روانه شدیم . چیزی در جلو بنظر میاید و قطعه سیاه نزدیک میگردد . اینها دو قرسوار از عدده چلو دار هستند وقتی ما را دیدند اسبهارا نگاه داشتند . چلو چه خبر است ؟

قراق با عجله زاپرت داد : دشمن . چقدر هستند معلوم نیست . پشت تپه ای نشسته اند . دسته تیر اندازی میکنند . همینکه دیدوران نزدیک شدند آتش شروع شد . نایب و سرچوهر رویانیک گفته شدند . زویف گفته شد ؟ من داد زدم : چطور گفته شد . زویف گفته شد ؟ یله سکار . سرب صورتش را داغون کرده خمیصیح صلیبی رسم کرد . تیر اندازی شدید تر و گلوله ها در تاریکی بیشتر پراکنده میشد . من ازین خبر تکان خورده فریاد زدم . تاخات پیش فرمانده بروید . زنجیر پیش !

ما بطرف عدده مختصر قراقانی که دفاع میکردند دویدیم . در تاریکی هیکنی در جلو ما از میان ریگها رخاست و دولا دولا - است ما آمد و آهسته گفت : سکار معنوییم بموقع آمدید . روی تپه خیلی هستند ما حالا دیگه خیال عقب نشینی داشتیم . از روی گلوله ها میشد گفت صد نفر هستن . نایب حیف شد سکار سر تیر رفت . نایب کجاست ؟ سکار اونجاست اما نمیشه تا اونجا رفت از لای ریگها خیلی تیر اندازی میکنن . من چشمم را خیره کردم . در چلو جز تاریکی چیزی دیده نمیشود . دشمن مثل سابق تیر اندازی مینماید . قراقها مثل اینکه پهلوی

بودم مکرر از ادارات مختلفه آن جا مینوشندند که برای فلان کار یک نفر مهندس لازم است بقرتبتید بالاخره جواب دادم ما این همه مهندس نداریم و نمی توانیم یکدی گفته باشیم حالا هم برای محاسب همین احتیاج وجود دارد . محاسب برای همه جا و تمام ادارات طرف لزوم است .

شاهر ایرانی محاسب را سراغ دارید نشان بدهید که استخدامش نمایم و اگر تمام آنها را جمع کنیم باز کافی برای احتیاجات ما نیست مخصوصاً اینکه عدده بانک ملی رفته اند و از طرفی کارهای زیادی مثل رسیدگی به طرق از جمله شن ریزی ، پل سازی و این کار محتاج به داشتن محاسبین دقیق میباشد . اصولاً بنده در نظر دارم یک کلاس برای فن محاسبی تشکیل دهیم که برای اینکار مهالته وجود یک نفر متخصص طرف احتیاج است و مخصوصاً این شخص برای این قسمت هم خوب است و وقتی که بعنوان مرخصی با اروپا میرفت گفته بودم که در این قسمت هم مطالعاتی عمل آورده و این کارها هم در مدت مرخصی خود انجام داد است و امیدوار هستم که در این بکمال بیشتر از او استفاده شود . اما اینکه گفتند چه استفاده از او شده باید اعتراف نمایم که در سال اول استخدام او خیلی زیاد از او استفاده نشده ولی وقتی او را نگار بیشتری واداشتم خیلی خوشوقت شد و باوق و ذوق کار زیاد را قبول کرد البته مبادی تدبیر و مختلف است طبع اینها طور دیگری است بیشتر شوق دارند که بکنند بان جهت وقتی که باو کار بیشتری دادم سر شوق آمد و مشغول شد بالاخره موضوع محاسبی و زیاد کردن محاسب از امور خیلی مهم است و ما بعد کافی محاسب خوب و مشخص نداریم . تاکنون سبسم کار طور دیگری بود دستهای بنده سابق بر این که در وزارت طرق

جواب دادن ندارند خیلی سست تیر اندازی میکنند . رفته رفته هوا روشن میشود و حالا هیکل تپه ها را میتوان دید . **وستریکف** گفت : باید عقب نشست اگر عقب تر رویم پس از نیناساعت دیگر هوا روشن میشود و از بلندی همه ما را میزند . من هم اینموضوعاً خوب میدانم ولی کیجا برویم ؟ عقب ؟ آنجا هم همین باطست . از مقابل کی عقب نشینی کنیم ؟ دشمن کیست ؟ . . . ترکاها هستند یا شاید طرفداران و اتباع نایب السلطنه با شند ؟ خبر عقب نمیشود رفت ، باید پیشروی کرد فقط بجلو .

خمیصیح میگفت : بوریس پتروویچ ما را احاطه نکنند . دیگر تیر اندازی نینماید . **وستریکف** گفت : شاید هم رفته باشند . **خمیصیح** گفت : بی رفته اند ولی برای آنکه ما را احاطه کنند . مختصر مشورتی کرده تصمیم بترش گرفتیم . چند کلمه بشرح ذیل **بگامالی** توستم : دشمن در نیم ورسی ما است . از روی مقدار کلوله و طرز تیر اندازی میتوان گفت اعراب هستند و عدده شان از صد نفر تجاوز نمیکند . من البته شروع بترش مینمایم و نایب **خمیصیح** را مامور احاطه دشمن میکنم . لا زمت شما نیز جلوتر آمده جناحین و عقب را تأمین نمایم . زویف گفته شد و منش جلوی چلو دار مانده است .

یکتفر فراق زاپرت را برد . دراز کشیده بطرف تپه های رنگی تیر اندازی میکنیم . خمیصیح بطرف من خزید و گفت : همه چیز آماده است . سلامت . مادست هدیدگر را فرستادم و نایب با یکدسته در تاریکی پنهان شد و ما بوریس دارد جناح راست مرا حفظ کرده با یکسارکت تجاوزی از عقب بدشمن حمله نماید . انجام این ما بوریس مشکوکست اولین حمله کنندگان پیش از یستو پنجتفر نیستند و تا ای البته دشمن آنها را زودتر کشف خواهد کرد و با کلوله بتوقفشان خواهد ساخت لیکن چاره دیگری نداریم .

لکه های لفظ تمکی و تیره روی ریگها میخزند و هوادرصد روغنست . چلو درسی سازنی ما هیکل آسب زویف که گفته شده و خود او هم پهلوی آسب افتاده تشخیص داده میشود . تپه ها رفته رفته بهتر میتوان تشخیص داد . قراقها نکلی سکوت اختیار کرده اند من حس میکنم که کمین ناگهانی دشمن و کشته شدن زویف و رویانیک خیلی در فراقها تاثیر نموده است . گرچه تیر اندازی خیلی ضعیف تر شده معذلت کولها از بالای سرما میگذرد . **وستریکف** آهسته گفت : فرمانده . از پشت سر در تاریکی هیکل **گامالی** با ده نفر فراق پیدا شد . فراق من باجهه گشاده ای عقب میترکند . آمدن سلطان آنها را تشجیع کرد . من موقعیت دشمن را تشریح کرده قشه خود را بیان کردم .

لازمت اساه تعرض کنیم و الا در روغنائی روز بیم تلفات زیاد می رود . **گامالی** گفت : ما برای همین آمده ایم که فوراً بدشمن حمله کنیم . زنجیر شما بجلو حرکت میکند ، سلسله در جناحین خواهند بود و بسم اندازه آن جلوحراکت مینمایند . من هم با اسبدارها و عدده پوشش از عقب حمله میکنم حالا پیش . من بلند شدم . از پهلوی چند نفر برخاسته دنبال من زاپرتش بجلو میدوند . سلسلهای ما شروع باشت کرد من پس از پنجاه قدم دویدن بر اثر فشار بسیار اعصاب باقش تنگ شده بر زمین افتادم . قلبم شدت میزند و با دهاان باز رطوبت هوای نزدیک صبح را می بلسم مسلسل علی الاتصال صدا کرده پیشروی قراقانرا که عقب مانده اند تسهیل مینمایم . باز هم هیکلها می بلند شده دنبال ما میدوند . . . و همینکه بیمار میروند بر زمین افتاده خود را در ریگها مخفی می سازند . دشمن مضطرب شده یکی دو آتش باهم نموده شروع به تیر اندازی می نظم کرد . کولها درغن فرو رفته ریگهای کوچک را با ما مینماید .

مختلف ولایات تقسیم کرده بودند ولی یکی از اصلاحاتی که در نظر است این است که کارها را از روی فن و رشته خودش تقسیم نمایند که در عمل تسهیل گردد . تقسیم به ولایات شود بالاخره محاسبات یک کار مکابکی است اگر لایحه استخدام یکتفر میکائیس را بمجلس می آورند یقین دارم آقایان همین قدر که میدهند برای فلان موسسه یا ماشین طرف احتیاج است تصویب میکردند در صورتی که استخدام این شخص هم مثل استخدام یک نفر مکابیس است اگر آقایان واقفا طالب باشند که اطلاعات بیشتری پیدا نمایند ممکن است تشریف بیاورند تاخیلی از اصلاحات کلی و جزئی که در کار محاسباتی شده و خواهد شد بطور خصوصی برایشان تشریح نمایم بشود در مواد رای گرفته تصویب شد و ماده اول مطرح گردید در ماده اول مخالفی نیوده تصویب و ماده دوم قرائت شد بوهی - آقای وزیر مایه در ضمن بیان ایشان فرمودند حقوق رئیس محاسبات مختصری اضافه شده خواهشمندم اولاً توضیح بدهند که این اضافه حقوق چقدر است و ثانیاً اضافه حقوق راجعه داده میشود زیرا امروزه در دنیا بواسطه بحران اقتصادی همه برای فرار از بحران سعی میکنند بودجه خود را کم کنند و روی این نظر از حقوق مستخدمین کم میکنند ولی ما با استخدام مستخدمین خارجی علاوه میکیم البته خود رئیس محاسبات هم متوجه این قسمت شده اند که اگر کسر نکنیم اضافه حقوق دیگر موضوع نخواهد داشت وزیر مایه - اولاً امیدوارم منظور ایشان

